Edu Stra Med Sci. 2020, Vol.12, No.6

Education Strategies in Medical Sciences (ESMS)

Journal homepage: www.edcbmj.ir/en e-ISSN: 2345-5284

Baqiyatallah University of Medical Sciences

Elite migration and its relationship to development: Opportunities and challenges for policymakers

Ahmad Ali Khosravi[1], Saeid Khosravi[2], Mahdi Mansouri Bidkani[3], Soltan Ali Mir[1*]

[1] Islamic azad university Zahedan branch, Zahedan, Iran
[2] Researcher Scholar of Political science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
[3] Researcher Scholar in Economics Collage Economics and counting Islamic azad university central Tehran branch, Tehran, Iran

**Corresponding author: Soltan Ali Mir, Islamic azad university Zahedan branch, Zahedan, Iran. Email: soltanali.mir57@gmail.com*

Article Info

Keywords: *Elite migration, brain drain, development, policy making, systematic review*

Abstract

Introduction: Elite and efficient human resources play a vital role in the various national arenas and, therefore, their good management is crucial. Elite migration or brain drain among developing countries is of great importance, as these countries lose more capital in the process of international human capital flows, and their development is usually slowed by this phenomenon. The main purpose of the current study was to investigate the extent and mechanism of the impact of elite migration on the development of home countries as well as presenting opportunities and challenges for policymaking in this field.

Methods: The study was systematically reviewed using the PRISMA protocol in international (PubMed, Scopus, Google Scholar) and national databases (SID, Magiran, ISC). According to PICOS strategy, published papers until July 2019 in both English and Persian language using a variety of combinations of keywords such as brain drain, challenges, developed country, development, migration, elite, policy, developing country and their Persian equivalent was searched. After searching and selecting articles, the text of the final articles was evaluated with the help of PRISMA checklist. Finally, the relationship between elite migration and development and related policies was presented as narrative synthesis.

Results: With a detailed review of the final analyzed papers, factors and variables affecting the three main issues could be identified that are central to migration and development: a) brain drain and development; b) the financial flows in the result of elite migration; c) the role of immigrant elite communities in development. By systematically reviewing the papers, we find that the potential impacts of elite migration on development are complex and multidimensional which require multidimensional response from policymakers. The impacts of elite migration can be positive or negative depending on the country, economic and social trends of the country and create opportunities or constraints for economic, social and human development.

Conclusion: In general, immigrant elite societies can play an important role in the economic, social and political development of their home countries. Immigrant elite communities can be the source of ideas, knowledge and skills, and social capital. Communications and networks of elite immigrant communities with their home country can serve as an important channel for enhancing the positive impacts of immigration on the country of origin. However, many developing countries, including Iran, still suffer from elite immigration or brain drain. Therefore, in order to realize the positive effects of elite migration, there is a need for rigorous and comprehensive policymaking that will undoubtedly include challenges such as the need for significant international dialogue and cooperation.

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی
دوره ۱۲، شماره ۶، ۱۳۹۸
صفحات: ۸-۱۸

مهاجرت نخبگان و رابطه آن با توسعه: فرصتها و چالش ها برای سیاستگذاران

احمد علی خسروی[۱]، سعید خسروی[۲]، مهدی منصوری بیدکانی[۳]، سلطانعلی میر[۱*]

[۱] دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران

[۲] دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

[۳] گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی، تهران، ایران

نویسنده مسوول سلطانعلی میر. دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران. ایمیل: soltanali.mir57@gmail.com

چکیده

مقدمه: منابع انسانی نخبه و کارآمد در عرصه های مختلف ملی، نقش حیاتی دارند و به همین دلیل، مدیریت مطلوب آنها بسیار مهم تلقی می‌شود. مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها در بین کشورهای در حال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است، چراکه این کشورها در فرآیند جریان بین‌المللی سرمایه انسانی، سرمایه های بیشتری را از دست داده و معمولاً توسعه آن‌ها تحت تأثیر این پدیده، کند می شود. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان و مکانیسم اثرگذاری مهاجرت نخبگان بر توسعه کشورهای مبدأ و همچنین ارائه فرصت ها و چالشها برای سیاستگذاری در این زمینه است.

روش‌ها: این مطالعه به صورت مرور نظام مند و با استفاده از پروتکل PRISMA در بانک های اطلاعاتی بین المللی (Google Scholar ،PubMed و Scopus) و ملی (SID، Magiran وISC) صورت گرفت. با توجه به استراتژی PICOS، مقالات انتشار یافته تا تیر ۱۳۹۸ به دو زبان انگلیسی و فارسی با استفاده از ترکیبات متنوعی از کلیدواژه های کلیدواژه های brain drain، challenges، developed country، development، Migration، elite،Policy،developing country و معادل فارسی آنهاجستجو گردید. پس از انجام جستجو و انتخاب مقالات، متن مقالات نهائی با کمک چک لیست PRISMA مورد ارزیابی کیفی قرار گرفت و در نهایت رابطه مهاجرت نخبگان و توسعه و سیاستگذاری های مربوطه به صورت سنتز روایتی ارائه گردید.

یافته‌ها: با مرور دقیق جزئیات مقالات نهایی تحلیل شده؛ می توان عوامل و متغیرهای موثر در سه موضوع اصلی که محوریت مهاجرت و توسعه را تشکیل می‌دهند را به الف) فرار مغزها و توسعه، ب) جریان های مالی ناشی از مهاجرت نخبگان و ج) نقش جوامع نخبگان مهاجر در توسعه تقسیم کرد. با مرور نظام مند مطالعات، متوجه می شویم که تأثیرات بالقوه مهاجرت نخبگان بر توسعه پیچیده و چند بعدی است و نیاز به پاسخ چند بعدی از سوی سیاستگذاران دارد. تأثیرات مهاجرت نخبگان بسته به نوع کشور، روند اقتصادی و اجتماعی آن کشور، می تواند مثبت یا منفی باشد و فرصت ها یا محدودیت هایی را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی ایجاد کند.

نتیجه‌گیری: به طور کلی جوامع نخبگان مهاجر می توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای مبدا خود داشته باشند. جوامع نخبگان مهاجر می تواند منبع ایده ها، دانش ها و مهارت ها، و سرمایه های اجتماعی باشند. ارتباطات و شبکه هایی که جوامع نخبگان مهاجر با کشور خود دارند می توانند به عنوان کانال مهمی برای تقویت تأثیرات مثبت مهاجرت بر کشور مبدا عمل کند. با این وجود هنوز بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، از مهاجرت نخبگان متضرر می شوند. لذا برای محقق شدن تاثیرات مثبت مهاجرت نخبگان، نیاز به سیاستگذاری های همه جانبه، دقیق و جامع است که مسلماً چالشهایی از جمله نیاز به گفتگو و همکاری قابل توجه در سطح بین المللی نیز مطرح خواهد بود.

واژگان کلیدی: مهاجرت نخبگان، فرار مغزها، توسعه، سیاستگذاری، مرور نظام مند

مقدمه

در دهه های اخیر با توسعه فن آوری و رشد اقتصادی قابل توجه در کشورهای توسعه یافته و تزریق منابع مالی به مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و همچنین برنامه ریزی های دقیق و جامع کوتاه و بلند مدت، این کشورها؛ نخبگان خود و دیگر کشورها را جذب کرده و به کار گرفته اند که این امر، از سویی باعث رشد علمی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته شده و از سویی دیگر باعث کاهش نیروهای نخبه در کشورهای در حال توسعه گردیده که تاثیر سوء بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است و در نهایت منجر به وابستگی این کشورها به کشورهای توسعه یافته شده است. اعتقادی دیرینه وجود دارد که مهاجرت می تواند تأثیرات مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای فرستنده و پذیرنده مهاجر داشته باشد، در سالهای اخیر توجه مجدد به چگونگی درک و بهینه سازی این تأثیرات مطرح شده است. از آنجا که مقیاس، پیچیدگی و شدت مهاجرت نخبگان افزایش یافته است، اینکه چگونه اطمینان حاصل شود که مهاجرت نخبگان، به کشورهای در حال توسعه آسیب نرساند و یا حتی مهاجرت به نفع آن کشورها باشد، مورد توجه و بررسی قرار گرفته است (۱). کمیسیون جهانی مهاجرت بین المللی (GCIM)، گزارشی ارائه داده که در آن تأثیرات مهاجرت بر توسعه را بیان نموده و توصیه کرده که مهاجرت بین المللی باید به بخشی جدایی ناپذیر از استراتژی های ملی، منطقه ای و جهانی برای رشد اقتصادی، در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تبدیل شود. طبق این گزارش مهاجرت نخبگان می تواند یک فرصت مهم برای توسعه و استفاده حداکثری از پتانسیل آن باشد. بطوری که، تضمین می کند که مهاجرت نخبگان به پیامدهای توسعه در کشورهای درحال توسعه آسیب نمی رساند. این به معنای تعیین چگونگی استفاده مفیدتر از مهاجران نخبه به عنوان ابزاری برای کاهش فقر و توسعه اقتصادی در کشور مبدأ است. این نیازمند بهره مندی از شیوه های جدید و بهتر برای تسهیل درگیر نمودن جوامع مهاجران نخبه در توسعه کشورهای زادگاه خود است. اینها مواردی است که می بایست توسط سیاست گذاران توسعه در سطح وسیع و در همه سطوح و در هر کشوری مدنظر قرار گیرد (۲). اگرچه استفاده از یافته های مطالعات پژوهشی معتبر و استاندارد برای اتخاذ سیاست های قابل اجرا میتواند موثر باشد اما، نباید چالش های مربوط به توسعه سیاستگذاری ها را دست کم گرفت. تدوین زیرساختهای جامع سیاست در رابطه با محوریت مهاجرت نخبگان و توسعه، حداقل در چهار زمینه اصلی نیاز به بررسی دارد. در وحله اول، برای درک بهتر تأثیرات مهاجرت نخبگان بر اقتصاد و جامعه، جستجوی شواهد بهتر و روش های جامع تر بایستی در دستور کار قرار گیرد. تنها در این صورت سیاستگذاران می توانند مؤثرترین مداخلات را برای اطمینان از توسعه ناشی از مهاجرت نخبگان انجام دهند. ثانیاً، مستلزم انسجام و هماهنگی بیشتر سیاستگذاری ها در سطح ملی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. با توجه به زمینه های گسترده ای که مهاجرت نخبگان بر آنها تأثیر دارد و پتانسیل قابل توجهی که برای ایجاد تضاد در اولویت های سیاستگذاری کشورها دارد، استراتژی های مؤثر برای گفتگو و هماهنگی بین دولتی ضروری است. ثالثاً، پیشروی در این زمینه ها باید با نقشه برداری بهتر از فرآیندها و دستیابی به اهداف سیاست، ارزیابی شوند. افراد و سازمانهای مناسب برای اجرای سیاست ها، کانال های مناسب انتقال و مدل های ارزیابی موثر نیز باید طراحی شوند. در پایان، با توجه به ماهیت بین المللی پدیده مهاجرت نخبگان، گفتگو و همکاری بین المللی بیشتری لازم خواهد بود تا اطمینان حاصل شود که اقدامات انجام شده در یک کشور موثر بوده است. در مجموع، سیاستگذاران در این زمینه باید اهداف مناسب را تدوین کنند، ابزارهایی را که با آن می توان به آن اهداف دست یابند را شناسایی کنند، در داخل و بین دولت ها همکاری کنند تا از اجرای مؤثر آنها اطمینان حاصل شود و روشهایی را برای ارزیابی موفقیت خود تهیه کنند (۳و۴). اگرچه مسئله مهاجرت نخبگان و بعبارتی فرار مغزها موضوع تازه ای در ایران نیست و هر از چند گاهی از زوایای مختلف مورد بحث قرار می گیرد، با این وجود، با توجه به دانش ما، مطالعه ای که به تبیین رابطه مهاجرت نخبگان و توسعه بپردازد و فرصتها و چالش های پیشرو برای سیاستگذاران در این حوزه را شرح دهد، در دسترس نیست، لذا مطالعه حاضر به این مهم می پردازد. مطالعات پیشین در این حوزه بیشتر به مسائلی همچون علل و انگیزه های مهاجرت نخبگان، عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان، سیاست جذب و گردش نخبگان، نقش دانشگاه ها در کاهش مهاجرت نخبگان و مسائلی از این دست پرداخته اند (۵-۷). این مطالعه نکاتی را برای سیاستگذاران در مورد برخی از چالش های پیش رو در حوزه مهاجرت نخبگان و توسعه ارائه داده و همچنین پیامدهای سیاستگذاری در مورد مهاجرت و توسعه را بیان داشته است.

روش‌ها

این مطالعه به منظور استخراج محورهای مربوط به مهاجرت و توسعه و همچنین فرصتها و چالشهای ساستگذاری در این حوزه ها به صورت مرور نظام مند انجام شد. جستجو، ارزیابی و تحلیل مستندات مقالات با استفاده از پروتکل پریزما (PRISMA or Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses) در دو مرحله صورت گرفت. در مرحله اول، ابتدا جستجوی مطالعات منتشر شده تا تیرماه ۱۳۹۸ به دو زبان انگلیسی و فارسی از پایگاه های علمی بین المللی Scopus،PubMed و Google Scholar و پایگاه داخلی SID، Magiran و ISC انجام شد. برای جستجو

در این پایگاه ها با توجه به استراتژی PICOS (Problem, Intervention, Comparison, Outcomes, Study type)، مقالات با استفاده از کلیدواژه های brain drain، challenges، developed country، development، Migration، Policy،elite، developing country و معادل فارسی آنها شامل فرار مغزها، مهاجرت، نخبگان، توسعه، کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه، چالش ها، سیاست ها، که با استفاده از سرعناوین موضوعی پزشکی (MeSH) در PubMed بدست آمد و با ترکیبات مختلف کلیدواژه ها با یکدیگر و کمک کلیدهای عملکردی AND و ORدر صفحه جستجوی هر یک از پایگاه های مدنظر، استخراج گردید. در مرحله دوم مطالعه، ابتدا مطالعات جستجو شده بر اساس عنوان و چکیده، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. سپس با مطالعه اجمالی متن کامل مقالات انتخاب شده، مقالات نهائی بررسی شدند. کیفیت مقالات استخراج شده متناسب با نوع مطالعه با استفاده از چک لیست PRISMA (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses) مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج با بررسی محتوای متن کامل مقالات انتخابی تشریح شد. لازم بذکر است جهت اطمینان از فرایند صورت گرفته، دو نفر از نویسندگان به صورت مستقل جستجوهای صورت گرفته را انجام دادند که در اکثر موارد باهم انطباق داشت و موارد جزئی اختلاف طی جلسات مشترک با هم به جمع بندی منجر شد. پس از غربالگری مقالات منتخب و بررسی خلاصه و اصل مقالات، ارزیابی و تحلیل نهایی انجام شد. در مرحله نهائی ابتدا محتوای مقالات از لحاظ متدولوژی و روش بکار رفته مورد بررسی قرار گرفت و نتایج و تمرکز اصلی مقالات مشخص گردید. سپس محتوای مقالات از طریق تحلیل محتوا به روش سنتز روایتی (Narrative synthesis) در قالب نکاتی در بحث ارائه گردید.

نتایج

نتیجه اولیه جستجوی مقالات از پایگاه های علمی ذکرشده، شامل ۱۱۶ مقاله بود. در بازبینی صورت گرفته در گام های بعدی، ۵۲ مقاله به علت غیرمرتبط بودن، ۱۳ مقاله نیز به علت عدم دسترسی به متن کامل، ۸ مقاله به علت تکراری بودن از مطالعه خارج گردید و ۱۷ مقاله نیز با مطالعه چکیده ها از مطالعه کنار گذاشته شد و با مطالعه متن کامل ۲۶ مقاله باقیمانده از ۱۷ مقاله برای ارائه تحلیل ها استفاده گردید.

در کل و بر اساس مرور مطالعات انتخابی صورت گرفته، می توان عوامل و متغیرهای موثر در سه موضوع اصلی که محوریت مهاجرت و توسعه را تشکیل میدهند را به الف) فرار مغزها و توسعه، ب) جریان های مالی ناشی از مهاجرت نخبگان و ج) نقش جوامع نخبگان مهاجر در توسعه تقسیم کرد. چالش‌های کلیدی برای سیاستگذاران در هر یک از این موضوعات و خلاصه ای از گزینه های موجود برای کاهش اثرات سوء و استفاده از مزایای موجود نیز ارائه شده است.

مسائل کلیدی در مهاجرت و توسعه

با مرور دقیق جزئیات مقالات نهایی تحلیل شده؛ متوجه می شویم که تأثیرات بالقوه مهاجرت بر توسعه پیچیده و چند بعدی است و نیاز به پاسخ چند بعدی از سوی سیاستگذاران دارد. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، تأثیرات مهاجرت نخبگان می تواند مثبت یا منفی باشد و فرصت ها یا محدودیت هایی را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی ایجاد کند. اثرات آن بسته به نوع کشور، روند اقتصادی و اجتماعی آن و همچنین مقیاس و ویژگی های مهاجرت و رفتار فردی مهاجران متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، بسته به نوع و مقیاس مهاجرت، چشم اندازهای مهاجرت می تواند انگیزه های سرمایه گذاری در آموزش و سرمایه انسانی را بصورت محلی افزایش یا کاهش دهد.

جدول ۱. تاثیرات مثبت یا منفی مهاجرت نخبگان بر توسعه

تأثیرات احتمالی **مثبت** مهاجرت نخبگان بر توسعه	تأثیرات احتمالی **منفی** مهاجرت نخبگان بر توسعه
• افزایش راندمان اقتصادی جهانی	• از دست دادن نخبگان بومی و کاهش کیفیت خدمات ضروری در مبدا.
• ورود ارز به کشور مقصد.	• کاهش رشد و بهره وری به دلیل کمبود سهم نخبگان در سازندگی کشور مبدا.
• برای فرد مهاجر (در بیشتر موارد) مناسب است، به خصوص در جایی که فرصت های جدیدی برای او در کشور مبدا نیست.	• بازدهی کمتر از سرمایه گذاری های عمومی در آموزش.
• مهاجرت ممکن است بیکاری را در برخی از بخش های کشور مبدا کاهش دهد.	• مهاجرت گزینشی ممکن است باعث افزایش پراکندگی درآمد در کشور مبدا شود.
• ارائه فن آوری و سرمایه گذاری از کشورهای گوناگون در کشور مقصد.	• کشور مبدا، درآمد مالیاتی بالقوه را از دست دهد.
• افزایش جریان تجارت بین کشورهای فرستنده و پذیرنده.	• خطرات اقتصادی و وابستگی پذیرنده ها؛ که با کم شدن سرمایه گذاری ارسالی مهاجران، مشکل تشدید شود.
• تحریک سرمایه گذاری در آموزش و سرمایه گذاری های انسانی.	• پتانسیل تورمی، بویژه در املاک و مستغلات، در برخی مناطق.
• فعالیت های خیرخواهانه افراد مهاجر می تواند به توسعه جامعه محلی خود کمک نماید.	

در بخش بحث بررسی برخی از این تأثیرات با نگاهی ویژه به سه مجموعه جریان (فرار مغزها و توسعه، جریان های مالی ناشی از مهاجرت نخبگان و نقش جوامع نخبگان مهاجر در توسعه) که پیوند مهاجرت نخبگان و توسعه را تشکیل می دهند، پرداخته شده است. در پایان سیاستگذاری ها و چالشهای مربوطه تشریح شده است.

بحث

الف) فرار مغزها و توسعه

بیشترین موضوعی که در مورد مهاجرت و تاثیر آن بر توسعه مطرح و مورد بحث است، موضوعی موسوم به "فرار مغزها" (brain drain) یا همان مهاجرت نخبگان است. فرار مغزها به موقعیتهایی اطلاق می شود که در آن، مهاجرت نخبگان، تأثیرات منفی اقتصادی و اجتماعی در کشور مبدا دارد. خطر فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه قطعاً قابل لمس است. تقریباً از هر ۱۰ بزرگسال دارای تحصیلات عالی متولد شده در کشورهای در حال توسعه یک نفر در کشورهای توسعه یافته مشغول کار و زندگی است (۸).

اقتصادهای در حال تغییر کشورهای توسعه یافته تقاضا و بازار کار مناسب برای مهارت های جدید در فن آوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد کرده اند. از سوی دیگر ارتقا سطح رفاه اجتماعی و مالی و ارائه مراقبت بهداشتی بیشتر و آموزش، به همراه پیر شدن روزافزون جمعیت در کشورهای توسعه یافته، تقاضای عظیمی را برای نیروی کار ماهر ایجاد کرده است که بخش اعظم آن توسط نخبگان کشورهای در حال توسعه تأمین می شود.

این که آیا این جریان پایدار از فرار مغزها همیشه برای کشور فرستنده مضر است، جای بحث دارد. چرا که دسته ای از مطالعات، عواقب فرار مغزها را با تجزیه و تحلیل تأثیرات آن بر جمعیت باقی مانده بررسی می کند و بیان می دارند که با کاهش تعداد افراد تحصیل کرده باقی مانده در کشور، فرار مغزها به طور واضح سطح متوسط تحصیلات را کاهش می دهد و آسیب هایی را برای افراد باقیمانده ایجاد می کند. گفته می شود که فرار مغزها دارای اثرات ضربه ای مانند کاهش نرخ دستمزد برای افراد غیرنخبه و سطح جذابیت پایین تر برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. این رویکرد با الگوی رشد درون زا مطابقت دارد، به موجب آن دانش فرد نه تنها از نظر مهارت های موجود منافع مستقیمی را ایجاد می کند بلکه تأثیرات مثبتی بر بهره وری دیگران دارد. اگر افراد دارای مهارت و دانش مهاجرت کنند، منافع غیرمستقیم برای اقتصاد کلان از دست می‌رود.

دسته دیگری از مطالعات این تصور را رد می کند که فرار مغزها باعث عواقب کاملاً مضر برای کشورهای در حال توسعه است. تجزیه و تحلیل این مطالعات روشهای مختلفی را پیشنهاد می کند که فرار مغزها می تواند پیامدهای مثبتی برای کشور مبدا داشته باشد. چشم انداز مهاجرت به خودی خود ممکن است انگیزه بیشتری برای کارآموزان فراهم آورد و منجر به تشکیل سرمایه بیشتر و رشد کلی در کشورهای فرستنده مهاجر شود، مشوق هایی که از آن به عنوان اثر "افزایش مغز" (brain gain) یاد می شود. حتی در خارج از کشور، خود مهاجران می توانند از طریق ارسال حواله ها و ایجاد شبکه های تجاری و بازرگانی باعث سودرسانی اقتصادی به کشورهای وطنی خود شوند. بازگشت مهاجران به کشور خود، منبع بالقوه رشد از طریق انتشار دانش و فناوری است (۹،۱۰).

شواهد تجربی تاثیرات فرار مغزها بر توسعه

شواهد موجود از مطالعات مختلف نشان می دهد که پویایی مهاجرت نخبگان یک فرآیند پیچیده است و کشورها را به روشی بسیار ناهمگن تحت تأثیر قرار می دهد. بعبارتی مهاجرت نخبگان دارای اثرات متفاوت و خاص هر کشور است. عزیمت متخصصان با مهارت مانند پزشکان، پرستاران و مهندسان، در هنگام کمبود عرضه و تقاضای زیاد ممکن است پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مخرب داشته باشد. در زیمبابوه سه چهارم تمام پزشکان طی چند سال بعد از اتمام دانشکده پزشکی مهاجرت می کنند. عزیمت چنین متخصصان بهداشتی بر ظرفیت خدمات پزشکی و اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای اساسی بهداشتی و اجتماعی در این کشور فرستنده تأثیر منفی گذاشته است (۱۱). در مطالعه ای بیان شده که اگر پزشکان غنایی که به آمریکا و کانادا مهاجرت کرده اند، به کشور خود برگردند، بهبود معنی داری در وضعیت بهداشت رخ خواهد داد. اگرچه، هنوز تجزیه و تحلیل خاصی انجام نشده است (۱۲).

با این حال، ممکن است واقعیت فرار مغزها اینقدر بد نباشد که ابتدا به چشم می آید. در بعضی موارد، خروج نخبگان با ورود نخبگان از کشور دیگر ممکن است جبران شود که البته این موضوع در مورد ایران صدق نمی کند. یک مورد از این دست، اثر دومینوی پزشکان کانادایی است که به ایالات متحده مهاجرت می کنند و پزشکان آفریقای جنوبی جایگزین آنها می شوند که در این صورت مهاجرت نخبگان محسوس نخواهد بود (۱۳). حتی در فقیرترین کشورها، مانند کوبا، چشم انداز امکان مهاجرت ممکن است انگیزه های لازم برای دستیابی به آموزش و مهارت را افزایش دهد و باعث ایجاد سرمایه گذاری های بیشتر در آموزش گردد (۱۴). در یک مطالعه جدید، حدود ۳۰ درصد از پزشکان هندی که مورد بررسی قرار گرفته اند اذعان داشتند که چشم اندازهای مهاجرت بر میزان تلاش آنها برای مطالعاتشان تأثیر مثبت داشته است (۱۵).

هنگامی که "افزایش مغز" بیشتر از "فرار مغز" باشد، تأثیر خالص بر رفاه و رشد ممکن است مثبت باشد. شواهد فوق نشان می دهد که در موارد خاص مهاجرت می تواند برای ایجاد سرمایه انسانی مؤثر باشد. در واقع، دولت های برخی از کشورها شاید به همان اندازه که مطالعات نشان می دهد، نگران فرار مغزها نباشند. فقدان فرصت برای فارغ التحصیلان بدین معنی است که مهاجرت را می توان یک استراتژی مفید اقتصادی و سیاسی دانست.

این تصویر مثبت بطور کامل توسط شواهد تجربی پشتیبانی نمی شود. چرا که احتمال بالای مهاجرت نخبگان ممکن است با کاهش دستاوردهای تحصیلی کشور همراه باشد. به غیر از مواردی استثنایی مانند فیلیپین (۱۶)، شواهد جهانی اشاره ای به گسترش

نیروی کار تحصیل کرده نخبه در کشور مبدا در نتیجه فرار مغزها ندارد. همچنین بیان شده که بین نرخ بازگشت مهاجران و سطح درآمد در کشور مبدا ارتباط منفی وجود دارد (۱).

گردش مغزها و ارتباط آن با توسعه

همه کسانی که مهاجرت می کنند برای همیشه در کشور پذیرنده باقی نمی مانند و لزوماً برای مدت طولانی در خارج از کشور اقامت ندارند. آنها ممکن است به وطن بازگردند و تجربه و کارآفرینی را با خود به همراه آوردند، همانطور که در بازگشت مهاجران تایوانی در دهه ۱۹۸۰ مشاهده شده است. مهاجران همچنین ممکن است به دنبال یک روند پویاتر "گردش مغزها" (brain circulation) چندین بار بیایند و بروند (۱۷).

عواملی که مقیاس، ماهیت و شرایط مهاجرت را شکل می دهند، کاملاً درک نشده اند. تأثیرات اقتصادی مهاجرت بازگشتی یا "گردش مغزها" برای کشورهای فرستنده نیز مشخص نیست. مهاجران به دلایل مختلفی باز می گردند، و این مربوط به فرصت های موجود در کشورهای فرستنده و پذیرنده است. برخی از مهاجران هرگز هدف اقامت دائمی ندارند، بلکه در عوض اهداف کوتاه مدت مانند پس انداز پول دارند (۱۷).

تجزیه و تحلیل توسط Findlay در انگلستان نشان می دهد که نرخ بازگشت مهاجران نخبه نسبتاً پایین است (۱۸) و بطور مشابه ۹۱ درصد چینی ها و ۸۷ درصد هندی ها در ایالات متحده باقی مانده اند (۱۵).

هماهنگی مجدد و پذیرش مناسب مهاجران بازگشتی به کشور مبدا نیز امر مهمی است. اگرچه مسائل مربوط به هماهنگی روانشناختی و اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است، اما معمولاً مطالعات بر هماهنگی مجدد اقتصادی کشور مبدا به ویژه از زاویه بازار کار و اشتغال معطوف بوده است. این یک پدیده پیچیده است و تلاش برای سنجش اینکه این هماهنگی مجدد و پذیرش، موفقیت آمیز بوده یا نه بسیار دشوار است. بخشی از موفقیت اغلب به این بستگی دارد که مهاجر برای چه مدتی به وطن برگشته است و میزان اشتغال و درآمد داخلی آنها چگونه بوده است. در بنگلادش، افراد نخبه بازگشتی در بازار کار عملکرد خوبی داشتند. در ویتنام، مهاجران وام های مناسب و آموزش های مدیریتی دریافت کردند (۱۹).

رویکرد رایج در مورد فرار مغزها، مثل همیشه و در همه جا، بر تعداد بسیار زیاد مهاجران نخبه که از کشورهای در حال توسعه خارج می شوند، محدود می شود. در حالی که هزینه های بالقوه وجود دارد، جابجایی چنین افرادی اغلب می تواند مزایایی را برای همه ذینفعان فراهم کند. علاوه بر این، مهاجرت همیشه شامل جریانهای یک طرفه یا دائمی نمی شود، چرا که تعداد مهاجران نخبه بازگشتی و گردشی در حال افزایش است (۱۷).

این موارد پیامدهای مهمی برای سیاستگذاران دارد که باید درک کنند که فرار مغزها چه موضوعی است و چگونه جنبه های مثبت گردش مغز را ارتقاء دهند. اگرچه فرار مغزها ممکن است همیشه مشکل ساز نباشد، با این وجود ممکن است یک مشکل بزرگ در برخی از بخش ها در کشورهای در حال توسعه مانند ایران ایجاد نماید. چالش تجربی فزاینده این است که مشخص شود که کجا و چه زمان فرار مغزها مانع از توسعه می شود، چیزی که به عنوان "کمبود مغزی" (brain strain) خوانده می شود (۲۰). با درک بهتر از اینکه کجا و چگونه مهاجرت میتواند تأثیر منفی داشته باشد، می توان سیاستهای مؤثرتر و هدفمند تری اتخاذ کرد.

ب) جریانهای مالی ناشی از مهاجرت نخبگان

حواله های (Remittance) ارسالی نخبگان مهاجر به کشورهای مبدا زیاد و رو به افزایش است. حواله ها می توانند برای روند توسعه مزایای بسیاری داشته باشند. حواله ها برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه که معمولا محدودیت های ارزی دارند، منبع ارزنده و درآمدی ارزی محسوب می شود. در میان کشورهای در حال توسعه که با کمبود مداوم در بازار کار روبرو هستند، صادرات نیروی کار در ازای دریافت حواله، مؤلفه مهم استراتژی توسعه را تشکیل می دهد. حواله ها ممکن است در زمان رکود اقتصادی، افزایش یابند و به تحریک اقتصادهای آسیب پذیر کمک کنند.

حواله ها برای بعضی از مناطق و کشورها از اهمیت ویژه ای برخوردارند. کشورهای آمریکای لاتین و آسیای جنوبی سهم بزرگی از حواله های جهانی را به خود اختصاص می دهند. حواله ها برای برخی از کشور های کوچک به عنوان درصدی از درآمد ملی و بخشی از تولید ناخالص داخلی تلقی می شوند. با این حال برخی از مطالعات حاکی از آن است که میزان حواله ها با رشد در کشورهای مبدا همبستگی منفی دارند (۲۱،۲۲).

پیامدهای جریان مالی بر بازار کار داخلی

تقریباً همیشه حواله ها به اعضای خانواده فرد مهاجر در وطن ارسال می شود، اما این به طور خودکار منجر به افزایش درآمد برای خانواده نمی شود. حواله ها اغلب اعضای خانواده را وادار می کنند تا شیوه زندگی و رفتار خود را تغییر دهند. هنگامی که حواله ها برای کالاهای مصرفی هزینه می شود، احتمال تورمِ بیشتر وجود دارد که بازده پایین سرمایه گذاری در مصارف تولیدی را تسریع می کند (۲۱،۲۲). از این رو، در دراز مدت، حواله ها می تواند به طور بالقوه بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد که در مطالعهChami و همکاران نیز تأثیر منفی حواله ها بر رشد اقتصادی و اینکه حواله ها مانع از ایجاد کار بوده از داده های ۱۱۳ کشور مختلف ارائه شده است (۲۳).

پیامدهای جریان مالی بر سرمایه گذاری ها

برخلاف تصور رایج مبنی بر اینکه حواله ها "بطور غیرمولد" (unproductively) هزینه می شوند، حواله ها بدون توجه به نحوه هزینه کردن می توانند دارای اثرات انبساطی بر اقتصاد داشته باشند. در صورت سرمایه گذاری، حواله ها می توانند به

میزان قابل توجهی در رشد تولید موثر باشند. از آنجا که خانوارهای دریافت کننده حواله، میزان مصرف کالاها و خدمات خود را افزایش می دهند، چنین افزایش تقاضایی باعث ایجاد شغل می کند، از این رو خانوارهای دیگر که حواله دریافت نمی کنند نیز می توانند درآمد خود را افزایش دهند. علاوه بر این، کالاهایی که ممکن است به عنوان کالاهای مصرفی، مانند غذا و آموزش تلقی شوند، نیز ممکن است سرمایه ای برای افزایش سرمایه انسانی در نظر گرفته شوند (۲۱،۲۲).

شواهد زیادی وجود دارد که نشان می دهد ارتباط مثبت بین حواله ها و سرمایه گذاری های کلان وجود دارد. تحقیقات اخیر نشان داده که خانوارهایی که حواله دریافت می کنند در مقایسه با خانوارهای غیرمهاجر، در واقع هزینه کمتری برای مصرف و هزینه بیشتری برای سرمایه گذاری آموزش و مسکن هزینه می کنند. خانوارهایی که حواله های بین المللی دریافت می کنند نیز تمایل به سرمایه گذاری بیشتر در فعالیت های کارآفرینی دارند (۲۱،۲۲). استدلال شده است که حواله ها می توانند اعتبار مالی کشور را بهبود بخشند و از این طریق دسترسی آن به بازارهای بین المللی سرمایه را تقویت کنند. در حقیقت، از آنجا که کشورهای با درآمد متوسط بیشترین سود را از حواله ها می گیرند، در حالی که کشورهای بسیار فقیر و کم مهاجرت مزایای اقتصادی بالقوه مهاجرت را از دست می دهند. بنابراین، حواله ها نمی توانند به عنوان یک جایگزین مناسب برای کمک های رسمی برای توسعه تلقی شوند. با این وجود از آنجایی که حواله ها جریان شخصی به شخص دیگر است، بنابراین به خوبی نیازهای گیرنده را برآورده می کنند و این توانایی را دارند که رفاه خانوار را بهبود بخشند و از شدت فقر در کشور بکاهند.

ج) نقش جوامع نخبگان مهاجر در توسعه

جوامع نخبگان مهاجر به طور کلی می توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای مبدا خود داشته باشند. این نقش فراتر از ارسال پول به وطن در قالب حواله است. جوامع نخبگان مهاجر می تواند منبع ایده ها، رفتارها، هویت ها و سرمایه های اجتماعی باشند که بین کشورها جریان دارد (که آن را "حواله های اجتماعی" (social remittances) می گویند). به همین ترتیب، مهاجران می توانند دانش و مهارت های خود (که گاه به آنها "حواله های فن آوری" (technological remittances) می گویند) یا حتی ایده ها و شیوه های سیاسی (که آن را "حواله های سیاسی" (remittances political) می نامد) را انتقال دهند. ارتباطات و شبکه هایی که جوامع نخبگان مهاجر با کشور خود دارند می توانند به عنوان کانال مهمی برای تقویت تأثیرات مثبت مهاجرت بر کشور فرستنده عمل کنند (۲۵،۲۴).

شبکه های دانش و انتشار فناوری

یکی از عناصر اصلی در بحث اخیر در مورد پتانسیل افزایش مغز این استدلال است که مهاجران شبکه های دانش بنیان ایجاد می کنند که ایده ها و فناوری های جدید را به کشور خود منتقل می کنند. پیشرفت های فن آوری می تواند برای تقویت رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در کنار سرمایه و سرمایه گذاری های انسانی بسیار مهم باشد. استدلال می شود که انتشار بین المللی ایده ها و فناوری ها تأثیر قابل توجهی در بهبود بهره وری دارد. در کشورهای توسعه یافته، عامل رشد کل بهره وری با تعداد دانشمندان و مهندسان و میزان هزینه های تحقیق و توسعه مرتبط است. با پیشرفت ارتباطات و فناوری اطلاعات، به نظر می رسد که این دانش به طور فزاینده ای از فاصله دور قابل تحویل و ارائه به کشورهای در حال توسعه است (۲۵،۲۴).

نقشی که مهاجرت بین المللی نخبگان در ایجاد و نگهداری شبکه های دانش فراملی ایفا می کند، قابل توجه است. شبکه هایی که وجود دارند به اینترنت بسیار متکی هستند و فعالیت های مختلفی از جمله پروژه های تحقیقاتی، انتقال فناوری، مشاوره تخصصی، دوره های آموزشی و آوردن شعبات شرکتهای خارجی را به وطن خود انجام می دهند (۲۶).

تجارت دو جانبه

مطالعات اخیر روابط بین تجارت و مهاجرت نخبگان را بررسی می کنند. ایده اصلی این است که جوامع نخبگان مهاجر و شبکه های اجتماعی و تجاری مرتبط با آنها می توانند بر رفع برخی نواقص موجود در بازار تجارت دوجانبه کمک کنند. چراکه مهاجران نخبه از فرصتهای تجارت و سرمایه گذاری در کشورهای خود مطلع هستند و از طریق شبکه های ارتباطی از فرصت های جدید نیز آگاه می شوند. آنها همچنین می توانند فرصت سرمایه گذاری در وطن را تقویت کنند و ضمانت های بیشتری را برای اجرای قرارداد ارائه دهند (۲۷).

سرمایه گذاری مستقیم خارجی

جوامع نخبگان مهاجر و شبکه های مرتبط با آنها همچنین ممکن است به عنوان محرک بالقوه جریان سرمایه های بین المللی باشد. آنها میتوانند در ترغیب دیگران به سرمایه گذاری در کشور خود موثر باشند. این نوع نقش ممکن است در صنایعی که نیاز به اطلاعات بالایی دارند، از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد. جوامع نخبگان مهاجر امکان یافتن سریع شرکای خارجی و مدیریت روابط پیچیده تجاری در مرزهای فرهنگی و زبانی را مقدور می سازند. این به ویژه یک چالش در صنایع پیشرفته است که در آن محصولات، بازارها و فناوری ها بطور مداوم بازتعریف می شوند جایی که چرخه محصولات به طور معمول از ۹ ماه کوتاه تر است (۲۸).

سیاستگذاری ها؛ فرصت ها و چالش ها

مطالبی که ذکر شد نه تنها وسعت موضوعات دخیل در رابطه با مهاجرت و توسعه را نشان می دهد، بلکه مقیاس چالش های

پیش روی سیاستگذاران را برای رویارویی با پایگاه داده های بزرگ اما غالباً غیرقابل توصیف را نیز تصویر می‌کند. در این بخش ۱۲ حوزه بررسی شده که در آن سیاستگذاری ها می توانند تأثیر مهاجرت را بر توسعه در کشورهای فرستنده مهاجران نخبه بهینه نمایند. هر حوزه سیاست و چالشهای مربوط به اجرای آن و همچنین در صورت وجود، بهترین نمونه های عملی ارائه گردیده است (۳۶-۲۹).

۱. همکاری بین کشورها برای جلوگیری از شکار نخبگان

سیاست کلی برای این هدف؛ الزام آور کردن رعایت کدهای رفتاری وضع شده چندجانبه مهاجرت نخبگان، به گونه ای که کشورهایی که کدهای اخلاقی استخدام را دریافت کرده یا در آن ثبت نام کرده اند، بتوانند در مورد اقدامات بین المللی استخدام پاسخگو باشند. در این راستا می توان یک آژانس چند جانبه برای نظارت و کنترل استخدام کنندگان ایجاد کرد. می توان سازوکاری ایجاد کرد که به موجب آن شیوه های غیرقانونی آژانس های استخدام از طریق یک فرآیند حسابرسی مستقل به مقامات مربوطه گزارش شود.

چالش اصلی این است که فقط برخی از کشورها کماکان از آن پیروی می کنند، و برخی دیگر همچنان به صورت نامحدود نخبگان را استخدام می کنند. از سوی دیگر اجرای کدها می تواند دشوار باشد. تنظیم و اجرای قانون های سختگیرانه ممکن است هزینه های اضافی را بر خود مهاجران وارد کند.

۲. توافق نامه هایی جهت حفظ منافع مهاجران، کشورهای فرستنده و پذیرنده

طراحی هر توافقنامه دوجانبه باید متشکل از دو کشور فرستنده و پذیرنده مهاجر باشد. کشورهای توسعه یافته می توانند برای تعداد مشخصی از مهاجران، مجوزهای کاری صادر کنند. این توافق نامه ها، در حالی که در درجه اول با هدف رفع نیازهای بازار کار کشورهای پذیرنده انجام می شود، می توانند بندهای خاصی نیز داشته باشند (به عنوان مثال دسترسی به حساب های پس انداز ویژه، حفظ بخشی از دستمزد برای بازگشت) که منجر به پیامدهای توسعه شود. کسب مهارت توسط مهاجران در کشور میزبان باید ترغیب شود. توافق نامه ها می توانند شامل تعهدات کشورهای توسعه یافته برای تأمین مالی آموزش های اضافی در بخش های استخدام باشد. کشورهای در حال توسعه می توانند سیاست هایی را برای تسهیل امور اقتصادی برای مهاجران در حال بازگشت (به عنوان مثال وام های تجاری یا برنامه های آموزشی) تدوین کنند. طرحهای مشابهی بین اسپانیا و اکوادرو و همچنین دولت های ایتالیا و سریلانکا در سالهای اخیر منعقد شده است.

چالش موجود این است که اولویت های بازار کار ممکن است همچنان ارجح باشند و فضای کمی برای اهداف توسعه باقی بگذارد. مدیریت نیازهای کار از طریق سهمیه بندی و سیستم های غیرمنعطف بسیار سخت خواهد بود. مالیات دهندگان در کشورهای توسعه یافته تمایلی به تأمین هزینه های اضافی برای استخدام مهاجران ندارند. منافع ملی باید در برابر اهداف توسعه گسترده تر متعادل شود.

۳. ارتقاء شرایط مطلوب اقامت و بازگشت مهاجران نخبه

در کشورهای درحال توسعه که در برابر "کمبود مغزی" آسیب پذیر هستند، می بایست اقدامات بیشتری برای اطمینان از بهبود شرایط کلان اقتصادی و سیاسی انجام دهند تا فرار نخبگان کاهش یابد. کمک های رسمی برای توسعه می تواند در جهت بهبود دستمزدها و شرایط در بخش های اصلی کشورهای در حال توسعه باشد.

متخصصان توسعه ممکن است استدلال کنند که اختصاص منابع در جهت کاهش مهاجرت ممکن است مؤثرترین استراتژی کاهش فقر نباشد.

۴. بهبود شرایط کار در کشور مبدا

با توجه به اینکه بسیاری از نخبگان در حال خروج نه تنها از دستمزد ضعیف بلکه از شرایط ضعیف کار در وطن نیز شکایت دارند، لذا می بایست فرصت های آموزش و تبادل، بهبود مدیریت منابع انسانی، ارتقاء شفافیت و عدالت اجتماعی برقرار شود. طرح های تشویقی وقتی بسیار موثر خواهند بود که مبتنی بر شواهد و تجزیه و تحلیل انتظارات کارکنان هستند، که می توانند انگیزه های اقتصادی، حرفه ای و خانوادگی را تامین کنند.

علیرغم تلاش ها در این زمینه، دستمزدهای زیاد در کشور مقصد هنوز هم یکی از تعیین کننده های اصلی مهاجرت نخبگان می باشد.

دولت غنا اقدامات بسیاری را برای حفظ کارمندان مراقبت های بهداشتی به کار گرفته است. کمک هزینه اضافی ساعات کار که در سال ۱۹۹۹ ایجاد شده، با هدف افزایش قابل توجه حقوق و دستمزد پزشکان صورت گرفته است. در سال ۲۰۰۲، مجلس غنا ۳ میلیون دلار سرمایه گذاری برای جلوگیری از مهاجرت پزشکان و پرستاران انجام داد. وزارت بهداشت غنا اخیراً ۶۳ خودرو را خریداری کرده برای توزیع به پزشکان جوان "که در معرض مهاجرت هستند" به عنوان یک انگیزه برای ماندن در وطن تحویل داده است. تعدادی از این خودروها نیز به پرستاران داده شده که به مدت سه سال یا بیشتر خدمت کرده اند (۳۷).

۵. جبران سرمایه انسانی کشورهای در حال توسعه

کشورهای توسعه یافته که مهاجران نخبه پذیرش می کنند می توانند مالیات بر درآمد آنها و درآمد حاصل از هزینه ویزا را با دولت مبدا به اشتراک بگذارند. متغیر دیگر این است که مهاجران تعهدات مالیاتی پس از مهاجرت را به کشورهای مبدا بپردازند. کارفرمایانی که مایل به استخدام مهاجران نخبه هستند، به دولت های کشور مبدا مبلغی را پرداخت کنند. کشورهای توسعه یافته می توانند "صندوق جبران خسارت" (compensation fund)

برای مهاجران بازگشتی و بخشهای اصلی که در آن فعالیت می کنند، تأسیس کنند. کمک های رسمی برای توسعه می تواند بطور ویژه برای تقویت سرمایه انسانی در کشورهایی که مهاجران نخبه اعزام می کنند، اختصاص یابد.

این سیاستگذاری ها نیاز به حمایت مالیات دهندگان در کشورهای توسعه یافته دارد. احتمالاً اختلاف نظر در مورد جبران خسارت توسط دولت میزبان، کارفرمایان مهاجر یا خود مهاجران، و چگونگی محاسبه و جمع آوری جبران خسارت وجود دارد. به طور مشابه، احتمالاً اختلاف نظر در مورد اینکه چه کسی و تحت چه شرایطی غرامت دریافت کند اختلاف نظر وجود خواهد داشت.

۶. قابل انتقال بودن حقوق مربوط به حمایت اجتماعی نخبگان مهاجر

به مهاجران نخبه برای اخذ حقوق بازنشستگی دولتی و انتقال پولهای پس انداز شخصی به کشور مبدا سازوکار ارائه گردد. ارائه اطلاعات در مورد حقوق بازنشستگی و دیگر اشکال حمایت اجتماعی، نه تنها در دوره کار نخبه مهاجر در خارج از کشور بلکه برای بازگشت آنها به کشور مبدا محقق گردد. بازپرداخت مالیات بر درآمد هنگام بازگشت به کشور مبدا به فرد نخبه انجام شود.

چالش در محاسبه سطوح حق و حقوق و مدیریت نقل و انتقالات، به ویژه کشورهایی که زیرساخت مالی ضعیفی دارند، وجود خواهد داشت. در مورد مبالغ ناچیز، هزینه های اداری ممکن است سنگین باشد. همکاری های بین المللی در این زمینه بسیار اندک است.

۷. ایجاد انگیزه برای بازگشت نخبگان

علاوه بر اقدامات ذکر شده در بخش در بالا، می توان انگیزه های غیرمالی نیز برای بازگشت ارائه کرد. این امر همچنین باید پتانسیل انتقال مهارت را بین کشورها و مهاجران افزایش دهد. اطمینان از اینکه مهارت و تجربه مهاجرین در بازار کار وطن به بهترین نحو استفاده می شود تا از هدر رفت مهارت در بازگشت جلوگیری شود. فراهم آوردن فرصت برای "فرار مغز معکوس" (reverse brain drain) با فراهم کردن فرصت برای نخبگان کشورهای توسعه یافته برای گذراندن وقت خود در کشورهای در حال توسعه، چه از طریق برنامه های داوطلبانه موجود و چه از طریق برنامه های مبادله مهاجران نخبه.

در این راستا نوعی از اجبار برای بازگشت نخبگان لازم است. حمایت مستقیم بودجه ای برای کشورهای در حال توسعه مخالف روش های فعلی در تأمین کمک های رسمی برای توسعه است. احتمالاً بخش خصوصی در شرایط حاد به انگیزه های قابل توجهی نیاز دارد.

در حال حاضر برنامه هایی که برای تشویق بازگشت اتباع بسیار فرهیخته ساکن خارج از کشور طراحی شده اند، توسط کشورهای فرستنده اجرا می شوند. به عنوان مثال، تایلند بودجه تحقیقاتی گسترده و مشوق های پولی را به نخبگان بازگشتی خود ارائه می دهد (۳۸). به همین ترتیب، چین بسته های جذاب حقوق و دستمزد، و دسترسی به ارزهای خارجی را ارائه داده است (۱۵).

برخی از طرح های ابتکار بازگشت در کشورهای مقصد یافت می شود. به عنوان مثال، نزدیک به ۸۰ درصد از کارآموزان آفریقایی در برنامه های تحقیقاتی ایدز که توسط انستیتوی ملی بهداشت در ایالات متحده برگزار می شوند پس از کسب آموزش های دانشگاهی به آفریقا باز می گردند. از مشوق های به کار رفته شامل توسعه زیرساخت های بهداشتی در کشور مبدا، ارائه پشتیبانی تحقیقاتی هنگام بازگشت و همچنین استفاده از ویزاهای کوتاه مدت و توافق نامه بازپرداخت برای جلوگیری از اقامت دائم در ایالات متحده قابل ذکر است (۳۹).

۸. کارآفرینی توسط نخبگان بازگشتی

صندوق های سرمایه گذاری می توانند برای حمایت از فعالیتهای کارآفرینی مهاجران نخبه بازگشتی، ایجاد شود. صندوق سرمایه گذاری، که توسط مهاجران بازگشتی اداره می شود، میتواند ایجاد شبکه اجتماعی و تجاری را تسهیل کند. به نخبگان بازگشتی وام یارانه ای برای شروع کارآفرینی ارائه شود.

برای جلوگیری از سوءاستفاده نیاز به مقررات مناسب دارد. به گونه ای طراحی شده باشد که هم فرد مهاجر و هم کشور مبدا بهره مند شوند.

در اکوادور، بانک های دریافت کننده حواله تلاش خاصی را برای طراحی بسته های مناسب برای مهاجران انجام می دهند، از جمله برنامه بازگشت "خانواده من، کشور من، خانه من" (my family, my country, my home) که توسط بانکSolidado اجرا می شود، و وامی را برای مهاجران که از اسپانیا بازمی‌گردند ارئه می‌دهد تا کسب و کار کوچک راه اندازی کنند و خانه و زندگی تشکیل دهند (۴۰).

۹. افزایش دسترسی های مالی کشورهای در حال توسعه

کشورهایی در خاورمیانه و شمال آفریقا همگی به مؤسسات مالی داخلی خود (از جمله برخی مؤسسات خرد مالی) اجازه داده اند شعباتی را در نقاط خارج از کشور افتتاح کنند تا از این طریق خدمات را به نخبگان مهاجر خود ارائه دهند، از جمله مهمترین آنها خدمات حواله و نرخ رقابتی است. موسسات مالی موجود که از طریق آن حواله ها ارسال می شود می توانند خدمات پس انداز و اعتباری خود را به مهاجران و خانواده هایشان ارائه دهند. این امر گیرنده های حواله را ترغیب می کند تا پس انداز و سرمایه گذاری بیشتری را انجام دهند و می تواند سرمایه ای را برای اعتبار سایر کارآفرینان خرد فراهم کند.

چالش پیش رو؛ نیاز به سرمایه گذاری کلان در کشورهای در حال توسعه می باشد. باز کردن دسترسی به حواله های رسمی و سایر خدمات مالی به گروه های فقیرتر در کشورهای در حال توسعه، اقدامات هدفمند دیگری را می طلبد.

ترکیه حدوداً ۴ میلیارد دلار از حواله های مهاجران در طی سالهای ۲۰۰۰-۴ درآمدزایی داشته است. تخمین اندازه احتمالی اوراق بهادار در آینده آسان نیست، اما محاسبات اولیه بانک جهانی با

استفاده از ارقام واریزی مهاجرین برای سال ۲۰۰۳، نشان می دهد که کشورهای در حال توسعه می توانند بالقوه ۹ میلیارد دلار سالانه از بازارهای بین المللی سرمایه کسب کنند (۳۶).

۱۰. افزایش انگیزه سرمایه گذاری نخبگان بازگشتی در وطن

تقویت تأثیر توسعه ای حواله های ارسالی مهاجران، انگیزه ای برای آنها برای پس انداز و سرمایه گذاری در وطن خود فراهم می کند.

چالش پیش رو دشواری در تعیین نوع فعالیت های توسعه ای برای انجام، خواهد بود.

۱۱. ایجاد پیوند بین جامعه نخبگان مهاجر و کشورهای مبدأ

دسترسی به شهروندی دوتابیعتی می تواند روابط محکم تری بین کشور فرستنده و پذیرنده مهاجر ایجاد کند. بودجه ویژه ای برای حمایت از پیوندهای فرهنگی، اجتماعی و توسعه کشور مبدا در نظر گرفته شود. فراهم آوردن فرصت برای خرید مستقیم کالاها یا خدمات (به عنوان مثال بیمه درمانی یا حتی کالاهای اساسی خانگی مانند مواد غذایی) توسط مهاجران انجام شود.

همکاری سیاسی و اداری بین کشورها به منظور اطمینان از پایداری پیوند الزامی است. شرکتهای خصوصی برای ارائه اطلاعات و خدمات در خارج از کشور باید انگیزه لازم را داشته باشند. به سازوکارهای اطمینان از تحویل مناسب کالا نیاز است. سوپر مارکت هایی در پرو، آرژانتین و سنگال به مهاجران این امکان را می دهند تا کالاهایی را که به خانواده های خود در کشور مبداء تحویل داده می شوند، به صورت آنلاین خرید کنند (۴۱).

۱۲. تشویق مهاجران به مشارکت در توسعه کشورهای مبدا

کشورهای فرستنده و گیرنده مهاجر می تواند از فعالیتهای توسعه ای که توسط مهاجران پشتیبانی می شوند حمایت کنند. این می تواند انگیزه ای برای سرمایه گذاری در کشورهای مبدا یا حمایت از برنامه های بازگشت موقت باشد. ایجاد شبکه های مهاجران برای گسترش زمینه برای انتقال دانش و مهارت میتواند مفید باشد. در کشورهای درحال توسعه میتوان از دانش و تخصص مهاجران استفاده شود تا برنامه ریزی و / یا حتی اجرای فعالیت های توسعه انجام گیرد. افزایش ارتباط بین جوامع مهاجر و سازمانهای جامعه مدنی مستقر در کشورهای مبدأ، با هدف شناسایی مناطق مورد نیاز و پروژه های توسعه ای پشتیبان از طریق حمایت مالی یا کمک فنی در دستور کار باشد.

برخی از کشورهای مبدا ممکن است تمایلی به استقبال از فعالیت های مهاجران بازگشتی نداشته باشند. این خطر وجود دارد که مهاجران تنها به برخی مناطق و گروهها کمک نمایند.

شبکه های دانش طی یک دهه گذشته در دولت های مالزی، آفریقای جنوبی و تایلند، بیش از دیگر کشورها، به طور فزاینده ای از اینترنت برای درگیر کردن مهاجران استفاده کرده اند و از مهاجران برای تأسیس مراکزی برای انتشار دانش فنی، غالبا مهندسی و سایر دانشهای علمی پرداخته اند و همچنین به دنبال ایجاد همکاری بین مهاجران با شرکای فردی و نهادی داخلی هستند (۸،۹). سناتور Joseph Bidden ، قانون بازگشت استعداد را در نوامبر ۲۰۰۳ ارائه کرد، که به مهاجران قانونی مقیم ایالات متحده اجازه می دهد مهاجران قانونی مقیم ایالات متحده موقتاً به کشور تابع خود برگردند و در توسعه و بازسازی زیرساختهای آن کشور سهیم باشند (۴۲).

نتیجه‌گیری

مطالب ارائه شده در زمینه سیاست گذاری ها برای مدیریت اثرات مهاجرت نخبگان بر توسعه نشان می دهد که کارهای زیادی باید انجام شود. با توجه به اینکه ارتباط مهاجرت و توسعه شامل جریانات پیچیده ای از فرار مغزها، جریان مالی و نقش جوامع نخبگان مهاجر در توسعه است، چالشهای پیش روی سیاست گذاران بسیار زیاد است. سیاستگذاری متناسب با همه چالشها اگر در این زمینه غیرممکن نباشد دشوار است. برای اینکه هرگونه مداخله و سیاستگذاری مؤثر باشد، باید از طیف وسیعی از ذینفعان، سیاست گذاران در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، آژانس های چند جانبه، سازمان های غیردولتی و بخش خصوصی و خود نخبگان مهاجر نیز همکاری گرفت.

همانطور که گفته شد، در هر یک از این سه حوزه (فرار مغزها، جریان مالی و نقش جوامع نخبگان مهاجر در توسعه)، سیاستهایی وجود دارد که می توانند مزایای مثبت مهاجرت را برای توسعه تقویت کنند. می توان فرار مغزها را از طریق مشوق ها، پیوندها و افزایش سرمایه گذاری به منظور کاهش آسیب به بخش های کلیدی در کشورهای توسعه مدیریت کرد. از طریق تسهیل ایجاد شبکه های تجاری و اجتماعی می توان از پتانسیل جوامع مهاجران نخبه استفاده کرد.

در پایان این نکته قابل ذکر است که با وجود مطالعات گسترده ای که ارتباط بین مهاجرت و توسعه را نشان می دهد، این روابط هنوز هم به صورت شفاف درک نشده است. لذا برای ایجاد یک پایگاه شواهد جامع برای سیاستگذاران در این حوزه ها باید تعداد زیادی از مطالعات و تحقیقات صورت گیرد.

سپاسگزاری

محققین بر خود لازم می‌دانند از اساتید و کلیه همکاران و همه عزیزانی که به‌نوعی در انجام این مطالعه مشارکت و همکاری داشته‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی نماید.

تضاد منافع

نویسندگان تصریح می‌نمایند که هیچ گونه تضاد منافعی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

References

1. De Haas H. International migration, remittances and development: myths and facts. Third World Quarterly. 2005;26(8):1269-84.
2. Global Commission on International Migration. Migration in an interconnected world: new directions for action. The Commission; 2005.
3. Sriskandarajah D. Migration and development. A paper prepared for the Policy Analysis and Research Programme of the Global Commission on International Migration. Global Commission on International Migration, September. 2005.
4. Raghuram P. Which migration, what development? Unsettling the edifice of migration and development. Population, Space and Place. 2009;15(2):103-17.
5. Alinia C, Mohammadi SF, Kazemi-Asl S, Jabbarvand M, Lashay A. Absorption and Circulation of Iranian Elites in Medical Sciences Center of Excellence. Hakim Health Sys Res. 2016; 19(1): 39- 50.
6. Torbat AE. The brain drain from Iran to the United States. The Middle East Journal. 2002 :272-95.
7. Panahi R. Factors affecting the brain drain from Iran. Journal of Basic and Applied Scientific Research. 2012;2(3):3003-15.
8. Lowell BL, Findlay AM, Stewart E. Brain strain: Optimising highly skilled migration from developing countries. IPPR; 2004.
9. Beine M, Docquier F, Rapoport H. Brain drain and human capital formation in developing countries: winners and losers. The Economic Journal. 2008;118(528):631-52.
10. Cervantes M, Guellec D. The brain drain: Old myths, new realities. Organisation for Economic Cooperation and Development. The OECD Observer. 2002(230):40.
11. Chikanda A. Skilled health professionals' migration and its impact on health delivery in Zimbabwe. Journal of ethnic and migration studies. 2006 ;32(04):667-80.
12. Hagopian A, Ofosu A, Fatusi A, Biritwum R, Essel A, Hart LG, Watts C. The flight of physicians from West Africa: views of African physicians and implications for policy. Social science & medicine. 2005 ;61(8):1750-60.
13. Padarath A, Chamberlain C, McCoy D, Ntuli A, Rowson M, Loewenson R. Health personnel in Southern Africa: confronting maldistribution and brain drain. Durban: Health Systems Trust. 2003.
14. Pellegrino A. Trends in Latin American skilled migration:"brain drain" or "brain exchange"?. International migration. 2001;39(5):111-32.
15. Saxenian A. From brain drain to brain circulation: Transnational communities and regional upgrading in India and China. Studies in comparative international development. 2005 ;40(2):35-61.
16. Dimaya RM, McEwen MK, Curry LA, Bradley EH. Managing health worker migration: a qualitative study of the Philippine response to nurse brain drain. Human resources for health. 2012;10(1):47.
17. Robertson SL. Brain drain, brain gain and brain circulation. Globalisation, Societies and Education. 2006;4: 1-5.
18. Findlay A. From brain exchange to brain gain: policy implications for the UK of recent trends in skilled migration from developing countries. In International Migration Papers No. 43. 2002.
19. Adkoli BV. Migration of Health Workers: Perspectives from Bangladesh, India, Nepal, Pakistan and Sri Lanka. In Regional Health Forum. 2006 (Vol. 10, No. 1, pp. 49-58).
20. Allan M. Brain strain and other social challenges arising from the UK's policy on attracting global talent. Competing for global talent. 2006:65.
21. Niimi Y, Ozden C, Schiff M. Remittances and the brain drain: skilled migrants do remit less. Annals of Economics and Statistics/Annales d'Économie et de Statistique. 2010 :123-41.
22. Bollard A, McKenzie D, Morten M, Rapoport H. Remittances and the brain drain revisited: The microdata show that more educated migrants remit more. The World Bank Economic Review. 2011 ;25(1):132-56.
23. Chami R, Fullenkamp C, Jahjah S. Are immigrant remittance flows a source of capital for development?. IMF Staff papers. 2005 ;52(1):55-81.
24. Meyer JB. Network approach versus brain drain: lessons from the diaspora. International migration. 2001;39(5):91-110.
25. Séguin B, State L, Singer PA, Daar AS. Scientific diasporas as an option for brain drain: re-circulating knowledge for development. International Journal of Biotechnology. 2006 ;8(1-2):78-90.
26. Kapur D. Diasporas and technology transfer. Journal of Human development. 2001 ;2(2):265-86.
27. Naghavi A, Strozzi C. Intellectual property rights, diasporas, and domestic innovation. Journal of International Economics. 2015;96(1):150-61.
28. Boly A, Coniglio ND, Prota F, Seric A. Diaspora investments and firm export performance in selected sub-Saharan African countries. World Development. 2014;59:422-33.
29. Skeldon R. Of skilled migration, brain drains and policy responses. International Migration. 2009;47(4):3-29.
30. Dodani S, LaPorte RE. Brain drain from developing countries: how can brain drain be converted into wisdom gain?. Journal of the Royal Society of Medicine. 2005;98(11):487-91.
31. Hujo K, Piper N. South–South migration: Challenges for development and social policy. Development. 2007 ;50(4):19-25.
32. Bristol MA. Brain drain and return migration in CARICOM: a review of the challenges. Caribbean Studies. 2010 :129-46.
33. Ivlevs A, De Melo J. FDI, the brain drain and trade: channels and evidence. Annals of Economics and Statistics/Annales d'Économie et de Statistique. 2010 :103-21.
34. Davenport S. Panic and panacea: brain drain and science and technology human capital policy. Research policy. 2004 ;33(4):617-30.
35. Heilmann C. Remittances and the migration–development nexus—Challenges for the sustainable governance of migration. Ecological Economics. 2006 ;59(2):231-6.
36. Güngör ND, Tansel A. Brain drain from Turkey: Return intentions of skilled migrants. International Migration. 2014;52(5):208-26.
37. Mensah K, Mackintosh M, Henry L. The 'skills drain'of health professionals from the developing world: a framework for policy formulation. 2005.
38. Pang T, Lansang MA, Haines A. Brain drain and health professionals: a global problem needs global solutions. 2002.
39. Black R, King R. Editorial introduction: migration, return and development in West Africa. Population, Space and Place. 2004;10(2):75-83.
40. Jokisch B, Pribilsky J. The panic to leave: Economic crisis and the "new emigration" from Ecuador. International Migration. 2002;40(4):75-102.
41. Burgess K. Unpacking the Diaspora Channel in New Democracies: When Do Migrants Act Politically Back Home?. Studies in Comparative International Development. 2014 ;49(1):13-43.
42. Agrawal A, Kapur D, McHale J, Oettl A. Brain drain or brain bank? The impact of skilled emigration on poor-country innovation. Journal of Urban Economics. 2011 ;69(1):43-55.